



دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عنوان پایان نامه :

نظام سیاسی و فرهنگ مالیات
Politic System and Tax Culture

استاد راهنما :

دکتر عباس مصلی نژاد

استاد مشاور :

دکتر کیومرث اشتریان

دانشجو : مهدی آقابرابی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

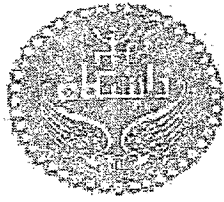
در رشته سیاستگذاری عمومی و مطالعات ایران

تابستان ۸۷

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵

۱۰۷۹



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : مهدی آقابرداری

گرایش :

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : نظام سیاسی و فرهنگ مالیات

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۲۵

به عدد	به حروف
۱۸	هجده

با نمره نهایی :

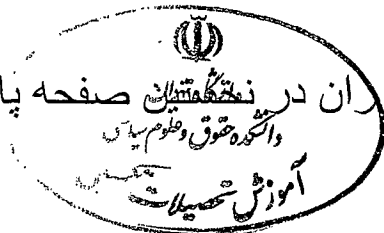
ارزیابی نمود .

با درجه :

بسیار خوب

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر عباس مصلی نژاد	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر کیومرث اشترینان	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر ایراهیم متقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو	—	—	—	—
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۱۳۸۷ / ۱۷ / ۲۵

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نسخه تکمیلی صفحه پایان نامه درج می گردد .



۱۰۵۶۹۰

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۳	بیان مساله
۴	اهداف پژوهش
۴	اهمیت و ضرورت پژوهش
۶	نتیجه و کاربرد پژوهش
۷	سوابق و پیشینه موضوع
۸	فرضیات
۹	تعریف مفاهیم اساسی پژوهش
۱۱	الگو نظری پژوهش
۱۱	مفروضات
۱۱	سئوالات پژوهش
۱۲	متغیرها
۱۳	روش تحقیق
۱۳	تکنیک های گردآوری داده ها
۱۴	مشکلات و تنگنا های احتمالی پژوهش
۱۴	سازماندهی مطالب (فصل بندی)
۱۶	مبانی نظری
۱۷	تعریف توسعه و مفاهیم اساسی آن
۲۰	توسعه اقتصادی چیست؟
۲۱	شاخص های توسعه اقتصادی

۲۲	مکاتب اقتصادی و مالیات
۲۶	نظریات کلاسیک ها
۲۹	مکتب نئوکلاسیک ها
۳۲	نظریات مکتب کلاسیک ها و نئوکلاسیکها در ارتباط با مالیات
۳۳	مکتب کینز
۳۷	مالیات از دیدگاه کینز
۴۰	نمودار مالیاتی از دیدگاه کلاسیک ها و کینزی
۴۱	مکتب نئولبرال
۴۳	منابع
	فصل دوم: پیشینه مالیات
۴۶	مقدمه
۴۷	تعریف مالیات
۴۸	تاریخچه مالیات
۵۳	قانون مالیات پس از انقلاب
۵۴	مالیات در اسلام
۵۷	ادبیات اقتصادی مالیات
۵۹	ویژگی های مالیات
۶۳	جایگاه مالیات
۶۵	چه کسانی وجه مقدار باید مالیات پرداخت کنند
۶۶	انواع مالیات
۶۷	مالیات بر ارزش افزوده

۷۰	منابع
	فصل سوم: نظام سیاسی
۷۳	مقدمه
۷۴	مفهوم نظام سیاسی
۷۵	ویژگی های بنیادی یک نظام
۷۵	اشکال عمومی تقسیم بندی یک نظام سیاسی
۷۶	دموکراسی
۷۸	اقتدار طلبی
۷۹	توتالیتریزم
۸۰	دولت تحصیلدار
۸۴	دولت دموکراتیک و جامعه مدنی
۸۶	نقش درآمدهای مالیاتی در برنامه سایر کشورها
۸۷	تحقق نیافتن درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور
۸۸	نفت و مالیات
۹۰	اثر بودجه نفتی
۹۱	مالیات در ایران
۹۲	بررسی نظام مالیاتی سایر کشورها
۹۵	سیاست گذاری مالیاتی
۹۶	نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی
۹۸	نمودار مالیاتی
۱۰۲	چشم انداز مالیات در قانون برنامه چهارم توسعه
۱۰۴	احکام مالیات در مجموعه سیاست های کلی نظام در بخش مالی

۱۰۵	منابع
فصل چهارم: فرهنگ مالیات	
۱۰۹	مقدمه
۱۱۰	تعریف فرهنگ
۱۱۱	فرهنگ سیاسی
۱۱۲	اهمیت فرهنگ سیاسی
۱۱۳	توسعه فرهنگی
۱۱۴	فرهنگ مالیات
۱۱۷	فرهنگ سازی مالیاتی
۱۱۸	مردم
۱۲۲	نمودار
۱۲۲	پس افتادگی فرهنگی
۱۲۳	موانع عدم توسعه فرهنگ مالیاتی
۱۲۵	ارتباط تئوری بین نظام مالیاتی و فرهنگ مالیات
۱۲۶	اکراه مودیان در پرداخت مالیات در نظام های رانتیر
۱۲۸	قانون و سیاست گذاری مالیاتی
۱۳۰	منابع
۱۳۲	نتیجه گیری

تقدیر و تشکر

تقدیم به پدر عزیز و مادر مهربانم که تا این لحظه در تمام مسیر

زندگی یاریم داده اند.

و با تشکر از استاد محترم و دلسوزم جناب آقای دکتر مصلی نژاد که

پدرانه و مشفقانه در این مدت مرا راهنمایی و همراهی کرده اند.

و سپاسگذاری از جناب آقای دکتر اشتریان.

چکیده

امروزه درآمدهای مالیاتی در تامین مالی دولتها از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند، مالیات مایه مشروعیت یک حاکمیت است و ملت به واسطه پرداخت آن، صاحب حق می گردند و دولت موظف به پاسخگویی است. اگر هر جزء به وظیفه خود عمل ننماید و روشن فکران و نهادهای مدنی نیز اهمیت این رابطه حساس را برای ملت و دولت روشن نسازند، فرایند تکامل یک کشور ضربه می خورد. بخصوص در اقتصاد تک محصولی مشابه ایران که تکیه گاه اصلی درآمدهای آن درآمد پایان ناپذیر و پرنوسان و غیرقابل پیش بینی نفت به خود اختصاص داده است. افزایش درآمدهای مالیاتی و توجه بیشتر در این مقوله امری لازم الاجرا است. متأسفانه بررسی سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت در مقایسه با سایر کشورها در طی سالهای ۸۶-۱۳۵۰ در اقتصاد ایران بیانگر ناچیز بودن این رقم می باشد و همچنین این درآمدها به شدت تحت تاثیر دریافت های دولت از درآمدهای نفتی قرار گرفته و با افزایش درآمدهای نفتی کاهش چشمگیری می یابند و این در حالیست که به علت ساختار غلط مالیاتی کشور هنگام کاهش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی قدرت این جبران را نداشته اند و با اجبار سیستم اقتصادی کشور را مجبور به استقراض از بانک مرکزی می نمایند. از طرف دیگر بررسی شاخصهای مهم مالیاتی کشور در طی سالهای مورد نظر و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان لزوم بازنگری کارشناسان و مسوولان را برای بهبود نظام مالیاتی ایران و افزایش فرهنگ مالیاتی اقبال جامعه و بخصوص مسوولان کشور را می طلبد. در واقع سیستم مالیاتی باید به گونه ای عمل کند که مردم نسبت به سیستم مالیاتی باور و اعتقاد پیدا کنند باید قبول کنیم مالیات از آن دست ویژگی های نظام اجتماعی است که پذیرش آن از سوی ملت و نحوه اجرای آن از سوی دولت و حساسیت نخبگان و سازمان های مردم نهاد نسبت به آن بسیار به ویژگی های فرهنگی کشور بستگی دارد. ما می توانیم در اینجا به جرأت بگوییم که یکی از شاخص های اصلی توسعه، وجود فرهنگ مالیات است. این شاخص مزبور (فرهنگ دادن مالیات) در فرهنگ اجتماعی ایران جانفخته است. این فرهنگ می تواند ریشه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و غیره داشته باشد ولی آنچه که مهم است شکل گرفتن این باور هاست که موجب عکس العمل مردم در مقابل نظام مالیاتی می شود.

فصل اول

کلیات و مبانی نظری تحقیق

مقدمه

دولت در کنار سایر نهادها در هر جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد. برای این نهاد قدرتمند می‌توان نقش‌های چندگانه‌ای را جستجو کرد. نخست آنکه دولت به عنوان یک نهاد می‌تواند وظیفه توزیعی و تخصیصی داشته باشد. به عبارت دیگر دولت در کنار دیگر عوامل از جمله قیمت‌های نسبی در سطح خرد و کلان، توزیع درآمد و تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقش دیگر دولت کنشگری اقتصادی است. دولت در این نقش از منظر حقوقی در نقش یک شخص حقوقی و از منظر اقتصادی در نقش یک سازمان وارد عرصه اقتصاد می‌شود و فعالیت‌های اقتصادی تولید، توزیع و مصرف را انجام می‌دهد.

در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان نقش‌های مختلف دولت را از هم تفکیک کرد. بر اساس این تقسیم‌بندی که بیشتر از منظر اقتصاد سیاسی انجام می‌گیرد، دولت در سه نقش «حاکمیتی»، «نماینده‌گی» و «کارفرمایی» ظاهر می‌شود. وظیفه حاکمیتی اصلی‌ترین وظیفه همه دولت‌هاست و در ادبیات کلاسیک اقتصادی نیز کاملاً مورد توجه قرار گرفته است. و این وظیفه ایجاب می‌کند دولت منابع ملی را به نسبت‌های عادلانه و عاقلانه بین نسلها توزیع کند و سرانجام دولت در مقام کارفرمایی مانند کارگزاری عادی وارد معادلات اقتصادی می‌شود. اگر این تقسیم‌بندی را بپذیریم، آن‌گاه باید به این سؤال پاسخ دهیم که در هر حالت منابع مالی مورد نیاز دولت چگونه باید تأمین شود؟

پاسخ به این سؤال در سه حالت می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. حالت اول از طریق مالیات است که اقتصاددانان بیشترین توجه را به آن دارند. حالت دوم، همراه با مالیات‌ها، درآمد‌های حاصل از منابع ملی نیز می‌توانند به کار آیند. حالت سوم درآمد‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی دولت است که می‌تواند به عنوان یک کارگزار عادی برای تأمین مالی هزینه‌های خویش منبع دیگری فراهم کند.

اما در ادبیات اقتصادی، مهم‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های حاکمیتی دولت اخذ مالیات از شهروندان است. به خصوص در کشورهایی مانند ایران که دولت برای تأمین هزینه‌های خویش بیشتر متکی به درآمد‌های فروش منابع طبیعی است، در نتیجه توجه بیشتر به نقش مالیات‌ها در بودجه دولت و انجام اقداماتی به منظور افزایش سهم این نوع درآمدها در کل درآمد‌های دولت ضرورت دارد، زیرا بیشتر این کشورها از

یک سو با محدودیت ظرفیت منابع طبیعی و از سوی دیگر به دلایل گوناگون مانند ابداع روش های جدید تولید و دستیابی به جانشین های مناسب با نوسان تقاضا و قیمت در بازار جهان روبرو هستند. از این رو نمی توانند برای مدت طولانی به درآمد های ناشی از فروش ثروت جامعه اتکا کنند و باید هرچه سریعتر درصد ترکیب درآمد های خود بر آیند. بهتر است کشور های یاد شده در کنار برنامه ریزی های مناسب برای افزایش توان تولید جامعه، در راستای اتکای بیشتر به مالیات ها، که در واقع سهمی است که جامعه به دولت برای انجام وظایف خویش می پردازد، گام های سنجیده تری بردارند.¹

بیان مسئله :

ابتدا به تعریف نظام سیاسی و سپس تعریف فرهنگ مالیات پرداخته و در چارچوب تحقیق به بررسی رابطه انواع نظام های سیاسی و شکل گیری فرهنگ مالیات در جامعه می پردازیم. هرچه نظام سیاسی توسعه یافته تر و دموکراسی در آن مورد توجه باشد، فرهنگ مالیات نیز در آن گسترش بیشتری دارد و نوعی رابطه دو طرفه بین دولت و مردم در زمینه مالیات شکل می گیرد.

اما کشوری که از لحاظ سیاسی غیر دموکراتیک باشد، مردم نیز رغبتی برای پرداخت مالیات از خود نشان نمی دهند؛ چرا که خود را در هزینه کردن این مالیات توسط دولت سهم نمی دانند و دولت اقتدارگرا هیچ گونه پاسخ گویی نسبت به خواسته ها و سؤالات شهروندان ندارد.

البته بعضی از کشورهای غیر دموکراتیک نیز نیازی چندانی به مالیات ندارند این دولتها که در نظام سیاسی به این دولتها تحصیلدار (رانتیر) گفته میشود معمولا از طریق یک ثروت خدادادی که به این نظام رسیده خواسته های خود را در جامعه تحمیل می کنند و نیازی نمی بینند که بر روی جنبه مالیات زیاد بر مردم فشار بگذارند تا نیازی به پاسخگویی از جانب ملت نیز نباشند. امادر کشورهای دموکراتیک وضع به این

¹ پورسید ، بهزاد ، (۱۳۸۳) ، مجلس و پژوهش ، نشریه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ، شماره ۴۵ ، ص ۵ و ۶

صورت نیست و معمولاً مهمترین منبع در آمدی این دولتها از طریق مالیات به دست می آید و در عوض پاسخگوی کامل به مردم خود هستند و مردم نیز با رضایت کامل این پول را به دولت خود می دهند.

البته نا گفته نماند که فقط نوع نظام سیاسی در فرهنگ مالیات تاثیر ندارد و مسائل دیگر نیز با این قضیه ارتباط دارد و نمی توان این مسله را فقط تاثیر گذار دانست و مسائل دیگر مثل ناکارآمدی قانون، بورکراسی اداری، بی نظمی های سیاسی و مسائل دیگر را می توان دخیل دانست. اما بحث اصلی پژوهش من به نوع نظام سیاسی و فرهنگ مالیات ارتباط دارد.

اهداف پژوهش :

تحقیق حاضر بر آن است که مشخص کند رابطه ای بین نظام سیاسی و فرهنگ وجود دارد و این نشانگر آن است که دولت ها اگر بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند، مردم نیز با میل بیشتری به دادن مالیات روی می آورند گرچه در پیمودن این مسیر یافتن دقیق و مطلق یک نظام سیاسی برای کشورهای در حال توسعه دشوار و گاهی محال به نظر می رسد. اما به هر حال در این پایان نامه سعی بر بررسی و تحقیق در خصوص انواع نظام های سیاسی در یک چارچوب کلی و ارتباط ان با فرهنگ مالیات می باشد.

هدف این پروژه مبتنی بر چارچوب مکاتب عمده نظری است تا رابطه دو سوبه را برای خواننده آشکار سازد. یعنی رابطه بین نظام سیاسی به عنوان متغیر مستقل و فرهنگ مالیات به عنوان متغیر وابسته مطرح می شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش :

امروزه مالیات به عنوان یک ابزار مهم در دست دولت ها محسوب می شود که به وسیله آن قادرند سیاستگذاری مالی و به تبع آن سیاستگذاری اقتصادی در جامعه را هدایت کنند. امروزه هدف اساسی مالیاتی متوجه افزایش درآمدهای دولت است تا از این راه وجوه و اعتبارات لازم برای اجرای برنامه های

رشد اقتصادی و اجتماعی فراهم گردد و لذا نیل به این هدفهای اساسی و مهم ایجاب می کند که برای وصول و اداره مالیاتهای طرق و وسایلی بکار گرفته شود که موثرترین و ثمربخش تر باشد. سیاست مالیاتی صحیح اگر به نحو درست و موثر اعمال گردد به خودی خود قسمت قابل ملاحظه ای از احتیاجات مالی دولتها را تامین می سازد.^۱

اصولا کارآمدترین و اقتصادی ترین راه تامین هزینه ها مالیات می باشد. کشورهایی که در تلاش برای استقرار یک نظام اقتصادی سالم هستند همواره راه حل مالیات را به عنوان تنها راه حل بلند مدت تامین هزینه های دولتی در نظر گرفته، بر اساس آن نظام مالیاتی مناسبی را تنظیم می نمایند.^۲

مالیات به عنوان اصلی ترین منبع مالی و درآمد برای دولت ها طرح است که می تواند در جهت توسعه و بسط عدالت در حوزه سیاست مورد استفاده قرار گیرد زیرا بخش خصوصی همواره افزایش سود خود را مورد نظر قرار می دهد و اموری که منافع عمومی را تامین می کنند از اهداف سرمایه گذاری این بخش از اقتصاد نمی باشد. بنابراین وظیفه دولت است که از ابزار های مناسب اقتصادی جهت رسیدن به توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه استفاده کند.

یکی از این ابزار ها مالیات است که با استفاده صحیح از این ابزار می توان در جهت پیشبرد جامعه گام برداشت به عنوان مثال در کشور ایران، نقش و حضور دولت در اقتصاد امری اجتناب ناپذیر است، زیرا وجود ثروتی ملی به نام « نفت » همواره چشمگیر و مورد توجه بوده است. اوضاع و شرایط خاص مربوط به اواخر دوره حکومت پهلوی و شکل گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی و وقوع جنگ هشت ساله ایران و عراق و اجرای سیاست های نادرست مدیریتی و اجرایی باعث شد تا بیشتر صنایع و بخش های کلیدی اقتصاد در اختیار دولت متمرکز شود و به دلیل ریسک بالا و آسیب پذیری در نرخ بازدهی سرمایه (پایین بردن نرخ بازدهی سرمایه) بخش خصوصی و خارجی تمایلی برای سرمایه گذاری در بخش های اقتصادی ایران نداشته باشند.

^۱ - همایون شریف، منصور، (۱۳۵۳). اداره امور مالیاتها و کارایی دستگاههای مالیاتی ایران، کرمان، نشر گلپهاری، ص ۱

^۲ - دادگر کرمانجانی، یدالله (۱۳۷۸) مالیه عمومی و اقتصاد دولت، تهران موسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب، ص ۱۲۹

با گسترش همه جانبه دولت در اقتصاد، هزینه های دولتی سیر صعودی پیدا کرد و این موضوع در سال های اخیر منجر به کسر مداوم بودجه دولت گردید. این در حالی است که تجربیات به دست آمده در کشور های مختلف حکایت از آن دارد که حضور همه جانبه دولت در تمامی بخش های اقتصادی منجر به کاهش فعالیت این بخش ها می گردد، بنابراین باید شیوه درست را اتخاذ کرد. اما برای استفاده از این ابزار یعنی مالیات و روش صحیح استفاده از آن که تحت تأثیر فرهنگ مالیات کشور است در این پژوهش به عنوان اصلی ترین و مهم ترین محور بحث مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

نتیجه و کاربرد پژوهش :

با توجه به این که مالیات در ساماندهی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور نقش ممتازی دارد و بازتولید ثروت و ایجاد عدالت اجتماعی از مهم ترین دستاورد های مالیات است، ضمن این که مالیات، درآمدی برای تأمین هزینه خدمات دولتی، وسیله و ابزاری مهم برای سیاست گذاری اقتصادی می باشد لذا مالیات از ارکان پر اهمیت به منظور حفظ و بقای پویایی یک جامعه به حساب می آید. گرچه شکل گیری فعالیتهای اقتصادی در جامعه و امر تخصیص منابع بین بخشهای مختلف اقتصادی چیزی نیست که تنها متأثر از نظام مالیاتی کشور باشد و پارامترهای متعددی در اقتصاد وجود دارد که بطور مستقیم و غیر مستقیم بر مساله تأثیر دارند لیکن قدر مسلم استفاده صحیح از ابزار مالیاتی در جهت سامان دهی به مسائل اقتصادی جایگاهی خاصی در این زمینه دارد.^۱

اما در کشور ما درآمد حاصله از فروش نفت خام و استقراض مداوم از بانک مرکزی، دولت را تا حدود زیادی از ضرورت اخذ مالیات بی نیاز کرده است. البته با مراجعه به متون تاریخی دوران معاصر از یک سو در می یابیم این امر تا حد زیادی ریشه دار و عمیق است و از سوی دیگر حتی در سراسر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک بار در اصل ۵۱ به مالیات اشاره شده است. بنابراین نتیجه ای که برای این

^۱ - مهدی پورا، اکبر، (۱۳۶۴)، تحلیلی بر نظام مالیاتی کشور، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ص ۳۵

پژوهش مد نظر است، می تواند زمینه را برای استفاده آن در دستگاه های مسئول مانند سازمان امور مالیات- وزارت اقتصادی و دارایی و در بحث کلی دولت و مخصوصاً مجلس مهیا سازد.

سوابق یا پیشینه پژوهش :

ادبیات اقتصادی مالیات مانند سایر شاخه های اقتصادی، پس از جنگ دوم جهانی دچار تحولات عمده شده است و بسیاری از اقتصاد دانان و اساتید اقتصادی طراز اول جهان به این حوزه اقتصادی وارد شده و هر یک از آنان در گسترش نظریه های اقتصادی مالیات ها سهمی داشته اند. از آنجا که مالیات ها به صورت ملموس تری در زندگی اقتصادی مردم و شهروندان یک کشور موثرند، معمولاً بیشتر از هر نظریه سیاسی یا اقتصادی دیگر مورد توجه جامعه قرار می گیرد. مردم هر کشوری به خصوص کشورهای توسعه یافته، که دوران طولانی تری از یک حکومت دموکراتیک را تجربه کرده اند، بیشتر به شعارهای نامزدهای احراز مدعی مناصب دولتی و مجلس در مورد قوانین مالیاتی توجه می کنند و اغلب بر اساس تحلیل سیاست های مالیاتی، پیشنهاد شده کاندیدا ها، رأی خود را به صندوق می اندازند^۱

دولت ها در جوامع دموکراتیک که منتخب مردم هستند و برای اجرای خواسته های آنان بر اساس الگوی رأی گیری و شعارهایی که در شروع و قبل از انتخاب شدن ارائه کرده اند، نیازمند منابع اند. در دوران آغازین دولت های دموکراتیک عمده فعالیت های آنها تا اندازه ای مانند حکومت های توتالیته و استبدادی بوده و به وظایف حکومتی و امنیتی اختصاص داشته است، در صورتی که امنیت و حکومت در دولت های دموکراتیک برای مردم اجرا می شود با این تفاوت که حکمرانان مستبد عمدتاً امنیت و حاکمیت را برای خود، خانواده و قبیله خود می خواهند و در اجرای وظایف محدود امنیتی و حکومتی نیاز کمتری به منابع داشته اند و این منابع را از طریق مالیات های سستی تأمین می کردند.

^۱ - پژوهان، جمشید (۱۳۸۳)، مجلس و پژوهش، نشریه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۵، ص ۱۲

با گسترش دموکراسی و نهادینه شدن حکومت های مردمی، خواسته ها، آمال و به دنبال آن شعارهای دولت منتخب وسیع تر شده و در نتیجه منابع بیشتری برای اجرای وظایف محوله از سوی مردم مورد نیاز بوده است. در این فرایند، نظریه های اقتصادی مربوط به مالیات در پاسخگویی به تأمین منابع کارآمد برای دولت های توسعه یافته اهمیت یافته است و در چند دهه گذشته این نظریه ها بسیار متحول شده اند.^۱

اما در مورد پیشینه تحقیق، موضوع مربوط به پایان نامه با کمبود منابع روبرو است، زیرا منابع مرتبط با مسایل مورد نظر بسیار اندک است. بیشتر مطالب پژوهشی که می توان از آنها استفاده نمود در قالب مقالات و نشریات است که یک جنبه خاص از موضوع مالیات و مالیات دهی را مورد توجه قرار داده اند و کمتر می توان منابع و مآخذ با موضوع مورد نظر در این پژوهش یافت. ضمن آن که به نظر می رسد دانشجویان رشته اقتصاد و مدیریت نیز در مبحث مربوط به مالیات در پایان نامه های کارشناسی ارشد خود به صورت مختصر و حاشیه ای به این موضوع اشاره ای داشته اند.

بدین خاطر شاید بتوان گفت عنوان و محتوای این پایان نامه در نوع خود بسیار محدود و اندک است. زیرا از دیدگاه کلان سعی دارد فرهنگ مالیات را تحت تأثیر ساختار و نظام سیاسی مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد، منابع مورد نظر نیز همانطور که در بخش مربوط به روش و فنون اجرایی به آنها اشاره شد، عبارتند از: کتب، مقالات، نشریات، پایان نامه ها، منابع اینترنتی و غیره.

سؤالات پژوهش:

۱. سؤال اصلی:

در کشورهایی که از لحاظ سیاسی توسعه یافته هستند، آیا فرهنگ پرداخت مالیات توسط شهروندان بارز و بیشتر است؟ (آیا در کشورهای توسعه یافته پرداخت مالیات سهل و آسان صورت می پذیرد؟)

۲. سؤالات فرعی:

^۱ - مجلس و پژوهش، همان، ص ۱۳

الف- چه عواملی در کشورهای توسعه نیافته باعث می شود که مردم از پرداخت مالیات گریزان باشند؟ (طفره بروند؟)

ب- آیا کشورهای توسعه نیافته به دلیل این که اغلب اقتصادشان بر اساس اقتصاد تک محصولی شکل گرفته است، نسبت به پرداخت مالیات بی توجه هستند؟

ج- آیا فقدان شفافیت در قوانین مالیاتی باعث عدم رشد اخذ مالیات شده است؟

د- سیاست های مالیاتی چگونه بر اهداف برنامه های توسعه تأثیر می گذارند؟

مفاهیم پژوهش :

۱. فرهنگ: مجموع روشهای فنی، نهادها، رفتارها، شیوه های زندگی، عادات، تصورات جمعی، باورها و ارزشهایی را که جامعه معینی را شاخص می سازد، فرهنگ می نامند.^۱

۲. فرهنگ مالیات : عبارتست از تمکین داوطلبانه پرداخت مالیات از سوی شهروندان.

۳. فرهنگ سیاسی : دانشواژه فرهنگ سیاسی را نخستین بار « گابریل آلموند » در علم سیاست به کار برد. « آلموند » فرهنگ سیاسی را الگوی ایستارها و ستمگیری های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف می کند. البته یک تعریف کامل تری نیز می توان گفت : ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس ارزش های جامعه مرتبط با نظام سیاسی و مسایل سیاسی است.^۲

^۱ - دورژه، موریس (۱۳۸۲)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، نشر میزان، ص ۱۳۴

^۲ - عالم ، عبدالرحمن (۱۳۸۳) ، بنیادهای علم سیاست ، تهران ، انتشارات نی ، چاپ یازدهم ، ص ۱۱۲ و ۱۱۳

۴. نظام سیاسی: اجتماع انسانی که مدعی انحصار کاربرد مشروع زور جسمانی در داخل سرزمین معینی است و یا تعریف دیگر اینکه، نظامی از کنش و واکنش در هر جامعه ای که به وسیله آن توزیع های الزام آور یا مقتدرانه ایجاد و اجرا می شود.^۱

۵. نظام سیاسی دموکراتیک: نظامی است که از طریق توجه به ارا اکثریت مردم، از طریق انتخاب نمایندگان مجلس ملی اجرایی گردد. وجه مشخصه دموکراسی، اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد و اتباع است. بنابراین در این نوع حکومت، منشاء اصلی تصمیم گیری، مردم هستند و چون از مردم شروع و نتیجه آن به مردم باز می گردد لذا بسیاری معتقدند که بهترین نوع حکومت، دموکراسی است.^۲

۶. نظام سیاسی اقتدار طلب: در این نظام، حکام سعی می کنند خواسته های خود را در قالب تصمیمات سیاسی از بالا بر مردم تحمیل کنند. در واقع اقتدار طلبی اشکال مختلفی از نظام های سیاسی از جمله محافظه کار، توتالیتر، فاشیست، استبدادی و ... می باشد. نظام های اقتدار طلب معمولاً منبع مشروطیت خود را از منبع ماوراء اجتماعی قانون الهی، ویژگی های کاریزماتیک رهبران بر می گیرند.^۳

۷. مالیات: وجوهی که دولت برای تأمین هزینه های خود از اشخاص اخذ می نماید مالیات نامیده می شود، مانند مالیات بر ارث، حقوق، تمبر، مالیات بر درآمد املاک، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و ...، به عبارتی مالیات، حق اجتماعی است برگردن کسانی که در سایه مواهب جامعه به زندگی و کار مشغولند و در واقع سهمی است از حاصل کار افراد که به اجتماع تعلق می گیرد.^۴

^۱ - عالم، همان ص ۱۵۰

^۲ - جمال زاده، ناصر (۱۳۸۲)، اصطلاحات سیاسی، قم، انتشارات پارسایان، ص ۴۶

^۵ - بشیریه، حسین (۱۳۸۵). آموزش دانش سیاسی، انتشارات نگاه معاصر، چاپ دوم، ص ۱۴۱ و ۱۴۲

^۴ - کرد بچه، محمد (۱۳۶۴). مجموعه مقالات تحقیقاتی درباره مالیاتها، انتشارات وزارت برنامه و بودجه، ص ۱

الگوی نظری پژوهش :

در این پژوهش، بررسی مکاتب بزرگ اقتصادی مانند کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها، نئولیبرال ها (نظام بازار آزاد) به طور اجمالی بررسی می شود. و گفته می شود که این مکاتب در مورد اقتصاد و بازار و این که چگونه بازار تعادل خود را حفظ کند و این که مالیات چگونه می تواند تاثیر گذار باشد در تعادل بازار و این که این مکاتب چه ارزیابی از مالیات و گرفتن آن از مردم داشتند.

مفروضات :

نظام های دموکراتیک قابلیت های لازم برای مشارکت و وفاق عمومی (ملی)، جهت پرداخت مالیات توسط مردم را دارد.

یا به کارگیری روش ها و اصول درست توسط افراد زبده و متخصص می توان از مالیات به عنوان یکی از ابزارهای دائمی تأمین امور اقتصادی کشور بهره برد.

فرضیات :

فرضیه اصلی :

هر چه کشوری از لحاظ سیاسی توسعه یافته تر باشد، فرهنگ مالیات نیز در آن کشور توسعه یافته تر و یا مشارکت بیشتر مردم مشهود تر است.

فرضیات فرعی :

۱. مالیات در کشورهایی که از لحاظ سیاسی دموکراتیک تر می باشند، ابزاری است برای جلب اعتماد مردم به دولت.

۲. معین و شفاف نبودن تعریف مالیات در کشور موجب بروز مشکلات عدیده فرهنگی برای دولت است.

۳. با توجه به متغیرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت وصول مالیات توسط دولت رو به گسترش است.

متغیر های تحقیق :

متغیر مستقل :

نظام سیاسی، نظامی که از کنش و واکنش در هر جامعه ای که به وسیله آن توزیع های الزام آور یا مقتدرانه ایجاد و اجرا می شود.

متغیر وابسته :

فرهنگ مالیات، باید بگوییم که فرهنگ مالیات یکی از شاخص های فرهنگ سیاسی یک کشور به حساب می آید و به عبارتی تمکین داوطلبانه پرداخت مالیات از سوی شهروندان است.

متغیر واسطه :

از توسعه می توان یاد کرد زیرا فرهنگی توسعه یافته تر است که نظام سیاسی آن نیز توسعه یافته تر باشد. هراندازه یک نظام سیاسی از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله روی به خودمختاری و از پراگندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می یابد.^۱

بدین ترتیب هر چه نظام سیاسی دموکراتیک تر باشد مردم آن کشور میل و رغبت بیشتری به پرداخت مالیات دارند و نظام سیاسی به سمت توسعه حرکت می کند. اما هرچه نظام سیاسی اقتدارگرا باشد مردم

^۱ - جمال زاده، همان، ص ۳۵